

دبیرخانه طرح اعتلا و ساماندهی علوم اسلامی به مناسبت چهلمین سال انقلاب شکوهمند اسلامی سلسله نشست‌هایی را با عنوان «بازخوانی تحلیلی چهار دهه علوم انسانی در ایران» زیر نظر آقای دکتر مالک شجاعی دبیر علمی این نشست‌ها را برگزار می‌کند.

دومین نشست این مجموعه به سخنرانی آقای دکتر فریدون رحیم‌زاده مشاور معاون فرهنگی وزارت علوم و مدیر طرح میان رشته‌ای علوم انسانی تخصیص یافت. عنوان سخنرانی ایشان «تجربه میان‌رشته‌ای شدن علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران» بود. این سخنرانی در روز سه شنبه مورخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست ابتدا آقای دکتر جشقانی مقدمه‌ای را درباره این بحث ایراد کردند. سپس آقای دکتر فوزی جانشین رئیس طرح اعتلا نیز هدف برگزاری طرح اعتلا و نیز برگزاری این نشست‌ها را بیان کردند. ایشان دو هدف را در این نشست‌ها برشمردند. نخست تقویت بحث علوم انسانی در کشور و دوم بازخوانی‌ای از علوم انسانی در چهاردهه گذشته تا مشخص شود که علوم انسانی در چه جایگاهی قرار داشته است و به چه سطحی قرار است برسد و در کل چه اثرگذاری در جامعه امروز ایران خواهد داشت.

پس از این مقدمه آقای دکتر رحیم‌زاده سخنان خود را شروع کردند. ایشان ابتدا چنین بیان کردند که برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۸۴ بحث بازنگری رشته‌های علوم انسانی مطرح شد. بر اساس بند د ماده ۴۹ قانون چهارم برنامه توسعه وزارت علوم مکلف شد تا رشته‌های علوم انسانی را بازنگری کند. نیازهای اجتماعی، بازار کار، تحولات علمی، توسعه میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی و برنامه‌های درسی میان رشته‌ای مفاهیمی بودند که باید بررسی می‌شدند. بر این اساس به تمام دستگاه‌ها از ارتش تا شهرداری‌ها مکاتبه‌ای صورت گرفت و نیازهای آنان را برای آنکه در دانشگاه‌ها دیده شوند را بیان کنند. از این رو بانک مرکزی، قوه قضاییه، شهرداری تهران و ... پیشنهادهایی در این باره ارائه کردند. دریافت نظرات آنان به صورت کلی به شرح زیر بود.

۱- تاسیس رشته جدید

۲- گرایش جدید

۳- تغییر یا اضافه کردن واحد درسی در ذیل رشته‌ها و یا گرایش‌های موجود.

وقتی سازمان‌ها، نهادها و ... در جریان قرار گرفتند که درب آموزش عالی باز شده، تقاضاهای زیادی برای تاسیس رشته به وجود آمد. چالش‌های زیادی صورت گرفت. نخست آنکه معنا و مفهوم میان‌رشته‌ای چیست؟ اصلاً موضوع میان‌رشته‌ای به یک رشته تبدیل شده است یعنی از فلسفه نخستین خود دور شده و به یک رشته تبدیل شده است. نکته دیگر این است که آیا رویکرد پسینی به میان‌رشته‌ای باید داشته باشیم یا رویکرد پیشینی؟ یعنی پیشاپیش فارغ از هر تجربه فقط به صورت ذهنی رشته تدوین یا تصویب کنیم و یا نه میان‌رشته‌ای‌ها آنچه قرار است بعداً متولد شوند که تازه متوجه می‌شویم میان رشته‌ای است. یعنی میان‌رشته‌ای‌ها متولد می‌شوند، میان‌رشته‌ای‌ها محصول برنامه‌ریزی نیستند. دانشمندی در ذهن و در آزمایشگاه خود ابداعی می‌کند که وقتی میبینیم می‌گوییم

چند رشته کنار هم قرار گرفته‌اند. و یا نه ما بدون آنکه تبصری به هر کدام از این رشته‌ها داشته باشیم یا دغدغه این دانشمندان را داشته باشیم بدون پرسش و چالش بدون گزشتن ذهنی همینطوری برای خودمان تدوین کنیم و بگوییم این میان رشته‌ای است. پیشینی یا پسین بودن به این معنا است. الگوهای پیشین به معنای افلاطونی کلمه وجود دارد و کسانی با نظر به این الگوها کارهایی می‌کنند که اسم آن می‌شود میان رشته‌ای. یا نه میان رشته‌ای متولد می‌شود و ما متوجه می‌شویم که توجه پسینی است. گویا نگاه پیشینی به میان رشته‌ای‌ها وجود دارد. ما میان رشته‌ای تدوین و تصویب می‌کنیم. چون پول، ساختار و مجوز داریم و می‌توانیم تصویب کنیم.

دکتر رحیم‌زاده در ادامه سخنان خود اظهار کردند که به نظر اینجانب موضوع بین رشته‌ای به برنامه درسی تقلیل پیدا کرده است. برنامه درسی هم در کنار هم قرار گرفتن واحدهای درسی از حوزه‌های مختلف است با اسمی که ما روی آن می‌گذاریم. بنابر این بین رشته‌ای در ذهن دانشجو اتفاق می‌افتد و در استاد او. می‌توان به محققانی فکر کنیم که وقتی حرف می‌زنند بین رشته‌ای هستند اما تحصیلات بین رشته‌ای ندارند. در واقع بین رشته‌ای این است که ما از حد بحث‌های عمومی و کلی بگذریم، موضوع علوم انسانی را سوار پروژه‌های خاصی بکنیم. ما غیر علوم انسانی چیزی نداریم همه علوم انسانی است. هیچ مسئله‌ای نمی‌توان پیدا کرد که علوم انسانی موجود نتواند به آن پاسخ دهد. کارنامه علوم انسانی به لحاظ پاسخگویی به سوالات نسبت به علوم فنی و مهندسی بیشتر به درد کشور می‌خورد. مگر آنها به معضلات و مشکلات فن‌آوری و نیازهای بازار پاسخ داده‌اند که علوم انسانی عقب مانده باشد. علوم انسانی با همین وضعیت، ناظر به مسائل و پاسخگو است.

در پایان جلسه دکتر رحیم‌زاده به سوالات مطرح شده حاضران پاسخ دادند.